



اولین مجلس عزاداری برای امام حسین(ع) را یزید گرفت/ عزاداری هدف نیست وسیله است

رحیم‌پور ازغدی در این جلسه گفت: سید الشهداء گفتند وقتی امت به حاکمی مثل یزید مبتلا شود، دیگر باید با اسلام خداحافظی کرد. اسلام آنقدر مهم است که حضرت محسن که هیچ خود امام حسین(ع) هم باید در راه اسلام فدا شود. عزاداری هدف نیست عزاداری وسیله است. هدف رشد و رضایت خداست.

رحیم‌پور ازغدی در این جلسه گفت: سید الشهداء گفتند وقتی امت به حاکمی مثل یزید مبتلا شود، دیگر باید با اسلام خداحافظی کرد. اسلام آنقدر مهم است که حضرت محسن که هیچ خود امام حسین(ع) هم باید در راه اسلام فدا شود. عزاداری هدف نیست عزاداری وسیله است. هدف رشد و رضایت خداست.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر رحیم پور ازغدی در جمع جوانان هیئتی آستان قدس رضوی در محرم امسال سخنرانی کرده که متن سخنان وی در پی می آید.

عزاداری اعم از مداحی و مرثیه خوانی کار بزرگی است که هیئت های مذهبی به عنوان نهاد اجتماعی در جهان اسلام و تشیع انجام می دهند. حرکت بی نظیری است. شما در تمام ادیان و مذاهب دیگر چیزی شبیه این نهاد که بحث هیئت های مذهبی و مداحیه و مرثیه خوانی و احیاء و حفظ فرهنگ عزاداری است به این شکل نمی بینید. باید اسمش را معجزه گذاشت.

بیش از هزار سال شیعه اهل بیت(ع) به قول امروزی ها همیشه اپوزیسیون بوده و تحت فشار و تعقیب و سرکوب و شکنجه و محرومیت و محدودیت بوده و از زمان بنی امیه تا اکنون اسم سید الشهداء و اهل بیت(ع) را بردن، جرم بوده است زیرا دشمنان میدانستند وقتی اسم ایشان مطرح شود، پشت سرش فرهنگش مطرح می شود. آن وقت خیلی از افراد و خیلی چیزها زیر سوال قرار می گیرند.

از متوکل که قبر سید الشهداء را به آب بست و قبل از او خود اموی ها تا همین الان که اربعین می شود شیعیان در این مراسمات منتظر شهادت هستند و دشمنان، آنها را ترور می کنند. چرا از زیارت ابی عبدالله و اهل بیت(ع) می ترسند؟ این فرهنگ از زمان خود بنی امیه شروع شد یعنی این خط از یزید شروع شد. تا قبل از یزید هر نوع زیارت پیغمبر و اهل بیت(ع) به خصوص زیارت سید الشهداء را بدعت و کفر و شرک می دانستند. برای اینکه بگویند ما خدا و اسلام و پیغمبر را قبول داریم به شرط اینکه خودمان(بنی امیه و بنی عباس) اسلام را تفسیر کنیم. پیغمبر(ص) دیگر رفته است.

معاویه گفت شما تقدیر الهی را قبول دارید؟ همه گفتند بله قضا و قدر الهی حکم صریح قرآن است. مبنای فکری مسلمانان است. گفت بسیار خب، من قسمت و تقدیر شما مسلمانانم. خدا مرا برای شما تقدیر کرده هر کس به من اعتراض کند به تقدیر الهی اعتراض کرده است. از همین جا تفسیر به رای شروع شد. لازمه اش این بود که ارتباط قرآن و اهل بیت(ع) را قطع کنند و گفتند اهل بیتی معنی و وجود ندارد. خدا است و رسولش را فرستاده و قرآنی آورده و ما دیگر به کسی کاری نداریم. چرا از زیارت و عزاداری می ترسیدند؟ برای اینکه بیش از هزار سال است همین روضه خوانی و مداحی و مرثیه خوانی و عزاداری پرچم سیدالشهدا و اهل بیت(ع) را بالا نگاه داشته است.

دنیا تعجب می کند که هزار و اندی سال است آنها جوری گریه می کنند که انگار سید الشهداء همین امروز به شهادت رسیده است. چرا از این اشکها می ترسند؟ برای اینکه یک حرکت سیاسی و عبادی مثل نماز جمعه است. کربلا اگر سیاسی نبود این اتفاق نمی افتاد. تفکیک امام حسین(ع) از سیاست و مبارزه نادرست است. پس هر کس تلاش کند عزاداری را تبدیل به مسئله های شخصی و تاریخی کند که هزار و اندی سال قبل اتفاق افتاد و ما داریم برای کسانی که دوستشان داریم از باب عواطف شخصی گریه می کنیم این فرهنگ تشیع و اهل بیتی نیست. آنهايي که امام حسین(ع) و عزاداری و هیئت را از عدالت و توحید جدا می کنند آگاهانه یا نا آگاهانه به ابی عبدالله خیانت می کنند. اگر ابی عبدالله داعیه سیاسی نداشت هرگز کشته نمی شد.

اولین روضه غیر سیاسی را هم یزید برای امام حسین(ع) گرفت. گفت من اشتباه کردم اصلا ابن زیاد و سپاهش زیاده روی کردند. اشتباهی است که رخ داده. یزید مجلس عزاداری برای امام حسین(ع) گرفت منتها به نوعی که صحبت توحید و عدالت و مکتب اهل بیت(ع) را نکرد. می دانید بچه ها و زنان اسیر از کوفه تا شام به عنوان اسیر آمدند و شلاق خوردند ولی از شام تا مدینه دیگر اسیر نبودند با احتراماتی حکومتی همراهی شدند.

یعنی یزید اعلام کرد چنین کاری را نخواسته بودم و اولین مجلس عزاداری را برای امام حسین(ع) او گرفت. از همین زمان بود که دو نوع مجلس عزاداری و مداحی و مرثیه خوانی شروع شد. یکی عزاداری غیر سیاسی و یکی عزاداری سیاسی. تا همین الان هم وجود دارد. در همین مشهد دربار، پرچم عزاداری ابی عبدالله را به هیئت ها مجانی می داد به شرط آنکه یک طرف آن یا ابوالفضل و طرف دیگر آن جاوید شاه بنویسند و اینکه هیئتی ها نگویند هیئات من الذله و فقط گریه کنند و به مکتب امام حسین(ع) کاری نداشته باشند. همه هیئت ها در مشهد اینچنین بودند اما در سال 57 که اعتراضات مردمی در مشهد هم شروع شده بود هیئتی آمد یک مرتبه دم گرفتند لعنت بر یزید. یعنی نه آن یزید فقط بلکه همه یزیدان زمانه. این هیئت چند متری جلو نرفته بود که مأموران ساواک ریختند و گرفتند و به خون کشیدند.

پس دو نوع عزاداری و دو تفسیر از کربلا داریم. مگر مردم کوفه شیعه نبودند؟ مگر نامه به امام حسین(ع) ننوشتند؟ اما وقتی

سید الشهداء در روز عاشورا اسم آنها را برد گفتند ما نامه ننوشتیم. روایت داریم از امام رضا(ع) که شیعه دروغ نمی گوید، غیبت نمی کند، شیعیان ایرانی از همین مشهد برای ملاقات با امام رضا(ع) رفتند اما امام آنها را 6 ماه نپذیرفت زیرا گفت شیعه ما نیست کسی که دروغ بگوید. آنها گفتند ما مراسم عزاداری برای سید الشهداء می گیریم و نذری می دهیم. امام رضا(ع) فرمود شیعه در خانه و بازار دروغ نمی گوید. در عالم سیاست کلاه کسی را بر نمی دارد. شیعه ربا نمی دهد و نزول خواری نمی کند. شیعه گرانفروشی نمی کند. امانتدار و صادق است. بی رحم نیست. اینها همه روایتهای موثق هستند. این طور نیست که هر کاری کنیم و یک روایتی پیدا کنیم که کسی برای امام حسین(ع) اشک بریزد به بهشت می رود. امام رضا فرمود شیعیانی که این ویژگی ها را ندارند شیعه کذاب هستند و آبروی اسلام را می برند.

روایات متعددی برای سبک زندگی شیعه داریم. این کارها را بکن و این کارها را نکن. اما یک روایت ضعیف پیدا می کنند که اگر برای ابی عبدالله اشک بریزد همه گناهانتان پاک می شود. اگر این روایت درست است پس اینهمه روایت درباره سبک زندگی شیعه که داریم چیست؟ زمان جنگ اینها جبهه نمی روند ولی حسین حسین می گویند. دو نوع حسین حسین داریم یکی حسین حسین می گفت و زیر آتش دشمن و خط مقدم جبهه جان می داد و حسین حسین گفتن هیئت های غیر سیاسی هم داریم که می گویند روایتی داریم که در عصر غیبت کار سیاسی نکنید. خود آقا انشاءالله می آیند و همه چیز را درست می کنند. البته آنها زمان امام زمان (عج) نیز می گویند خب دیگر خود آقا آمدند آقا کارها را خودشان دست می کنند. پس تو چه کار می خواهی کنی؟ در عصر غیبت که وظیفه ای نداری در زمان حضور هم کاری نداری.

عبدالله بن عمر آمد امام حسین(ع) را نصیحت کرد که آقا به کربلا نرو یزید آدم کش است و شما را می کشد اما امام قبول نکردند. همین عبدالله ابن عمر هر سال حج می رفت. در یکی از حج هایش بعد از واقعه عاشورا می گفت عده ای از جوانان آمدند از او سوال پرسیدند که آیا این لکه خون پشه ای که بر روی لباس احرام ما مانده است پاک است یا اشکال دارد. آیا اعمال شرعی ما درست است؟ عبدالله ابن عمر می گوید به آنها گفتم نامردها همین سال گذشته خون پسر پیغمبر را ریختید و حالا آمدید از طهارت و نجاست خون پشه از من می پرسید؟ اینکه بعضی ها می پرسند دستشویی که می رویم با پای راست یا چپ داخل شویم، زیارت که می کنیم درب ها را ببوسیم یا ضریح را، آقا آن کاری که اول به تو گفته اند انجام بده زیارت و شفاعت روضه و مداحی جزیی از این پروژه است نه همه پروژه. بعضی ها کل تشیع شان همین چیزهاست. دروغ می گویند سر مردم کلاه می گذارند و بعد نذری برای امام حسین(ع) هم می دهند.

مگر سیدالشهدا برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نکرد؟ مگر قیام امام برای قسط و عدل نبود؟ عده ای نه در انقلاب بودند نه در جنگ و نه الان در صف مبارزه با استکبار، یعنی اینها اصلا امر به معروف و نهی از منکر نکرده اند. انقلابی یعنی اهل امر به معروف و نهی از منکر بودن. اینها می گویند ما تقیه می کنیم. تقیهای که اهل بیت(ع) می گفتند مبارزه مخفی است. امام خمینی(ره) سال 42 گفت دیگر تقیه حرام است. زیرا اصل دین در خطر است. تا کی می خواهید تقیه کنید؟ امر به معروف و نهی از منکر و جهاد لازم و واجب است. جمله امام را راجع این روحانی نماها و شیعه های کذاب می خوانم: «خون دلی که پدر پیر شما از اینها خورد از دست شاه و ساواک نخورد. اینها پوست ما را کردند. ما می خواستیم مبارزه کنیم می گفتند شاه شیعه است.» شاه شرابخوار و شکنجه گر و مزدور را می گفتند خودمان دیدیم برای زیارت به حرم آمد. یزید و معاویه که یکسره در حرمها بودند. امام (ره) میگوید: استکبار اول خواست روحانیت و حوزه ها را نابود کند ولی نتوانست و مایوس شد ولی دوره دیگر را در پیش گرفت. یکی راه تهدید و ارباب و یکی نفوذ در حوزه و روحانیت.

این آقایان، وقتی در شیراز در جشن هنر به عنوان هنر، زن و مرد لخت شدند و عمل جنسی در خیابان انجام دادند، هیچ کدام اعتراض نکردند. گفتند ما سیاسی نیستیم. کدام سیاست؟ این دیگر کار خلاف شرع است. حاضر نبودند امر به معروف و نهی از منکر کنند. سیلی بخورند و یک روز برای ابی عبدالله زندان بروند. تو که همه اش نان ابی عبدالله را خوردی یکدفعه هم چوب او را بخور. امام (ره) که علیه ظلم و گناه و خیانت قیام کرد بعضی از اینها می گفتند امام آخوند انگلیسی است. آخوند سیاسی است. وهابی است. بله یک عده از هیئت ها و روحانیون را ترساندند و کسی جرأت نداشت به شاه اعتراض کند. امام(ره) می گوید در بین روحانیت نفوذ کردند و این شعار که دین از سیاست جداست را در حوزه ها جا انداختند. امام(ره) می گوید وقتی حربه ارباب و تهدید چندان عملی نشد راه های نفوذ در حوزه را پیش گرفتند. الان هم در همین مشهد مدارس هست که اینجور طلبه ها را تربیت می کند. شما هم خواب هستید. در همین مشهد محرم امسال قلاوه به گردن بستند و عزاداری کردند. آیا شیعه حسین(ع) این است؟

امام می گوید: در روحانیت نفوذ کردند. اولین و مهمترین حرکتشان القای شعار جدایی دین از سیاست بود. متأسفانه این حربه در حوزه و در روحانیت تا اندازه ای کارگر شد. یعنی بخشی از حوزه و روحانیت از زمان امام(ره) تا همین الان این طرز تفکر را دارند. عده ای از شما جوانان امروز برای اینکه شنیده اید من درباره برپایی مراسم عزاداری حضرت محسن مخالفت کرده ام آمدید که جلسه مرا به هم بزنید. شما با غیرت هستید اما این دروغ است. من خودم 35 سال است که طلبه ام و 15 تا 20 ساعت از هر روزم را برای خواندن قرآن و حدیث یا حرفهایی که در سایت ها بر علیه قرآن و اسلام بیان می شود می گذرانم. برای اینکه جواب آنها را بدهم. این کار بزرگترین افتخارم است. نوکری اهل بیت افتخارم است.

امام (ره) می گوید این حربه که دین به سیاست چه کار دارد و امام حسین(ع) را دیگر سیاسی نکن و در نیمه شعبان امام زمان را سیاسی نکن جا افتاده بود. اصلا امام زمان می آیند که جهان را مملو از عدل و قسط کنند و در برابر ظلم و جور و ستم بایستند. آیا این کار سیاسی است یا نیست؟ به همان دلیل که امروز مرگ بر امریکا و انگلیس می گویند، به همین دلیل امام حسین(ع) مرگ بر یزید گفت. سید الشهداء گفتند وقتی امت به حاکمی مثل یزید مبتلا شود دیگر باید با اسلام خداحافظی کرد.

اسلام آنقدر مهم است که حضرت محسن که هیچی خود امام حسین(ع) هم باید در راه اسلام فدا شود. امام حسین(ع) فدای توحید و عدالت شد. امام حسین(ع) گفت من و همه بچه ها و یارانم فدای توحید و عدالت اسلام. عزاداری هدف نیست عزاداری وسیله است. هدف رشد و رضایت خداست.

امام(ره) می گوید این شعار جدایی دین از سیاست تا حدی در حوزه ها کارگر شد تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه بود و ورود به معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را در بر داشت. یقیناً روحانیت مجاهد از نفوذ زخم بیشتری برداشت. می گفتند روحانیت هرچه ساده تر و احمقتر باشد مقدس تر است. گفتند فقیه کسی است که فقط به احکام عبادی و فردی کار داشته باشد و اگر سیاسی و زیرک و زرنگ باشد بی دین تر است. امام(ره) می گوید خون دلی که پدر پیرتان از دست این قشر متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورد.

امام (ره) در منشور روحانیت می گوید: شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده اند و دسته ای از ایشان که دین را از سیاست جدا می دانستند و سر به آستانه دربار می سائیدند یک مرتبه مدعی نظام می شوند و به روحانیتی که زجر و زحمات فراوانی برای انقلاب کشیده اند تهمت وهابی گری و بدتر از وهابی گری زدند.